



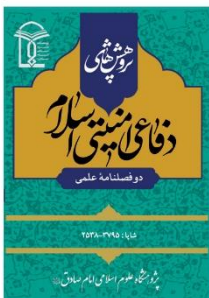
Imam Sadiq Research Institute  
for Islamic Sciences

Research Institute for Political  
and Defence Studies

ISSN: 2538-3795

Website: <http://ids.isri.ac.ir>

Volume : 1 ; Number : 2



## Examination and Analysis of the Tradition of Divine Assistance in Jihad from the Perspective of the Quran

Morteza Habibi Si-Sara

<https://doi.org/10.22034/ids.2025.214345>

Received: 9/30/2024 Approved: 11/9/2024

(182-203)

### Abstract

The formation of the universe, based on God's wisdom, follows its path purposefully and according to established laws; these laws are referred to as *Sunnah* (traditions). Divine traditions manifest themselves in various forms, such as the tradition of guidance and misguidance, the tradition of trial and tribulation, and the tradition of affluence and the affluent. One of the prominent traditions in the Holy Quran is the tradition of *Imdad* (divine assistance). The most general meaning of this tradition is "the use of human abilities to achieve a goal," which has a direct relationship with "divine assistance for its realization." At this stage, the recipient of *Imdad* is humankind—without the constraints of disbelief or belief. However, divine *Imdad* does not remain at this level and takes on more specific forms that include the *Mujahideen* (those who strive in the cause of God). The main question of the present research is how can one achieve a correct reading of the tradition of *Imdad* in Jihad from the perspective of the Quran? The answer to this question, using a library research method and benefiting from the two elements of description and analysis, explores this tradition in the Quran. The research concludes that the tradition of *Imdad* in Jihad, in addition to following spiritual causes, also follows some natural causes; however, this tradition is not time-bound, therefore, it can be used by creating the context and providing similar situations.

**Keywords:** *Sunnah* (tradition), *Imdad* (divine assistance), Jihad, Quran Researcher.

\*. Graduated from the fourth level of  
Qom Seminary, Qom, Iran.  
M.sisara@yahoo.com



## بررسی و تحلیل سنت امداد در جهاد از دیدگاه قرآن

مرتضی حبیبی سی‌سرا\*

شناسه دیجیتال (DOI): <https://doi.org/10.22034/ids.2025.214345>

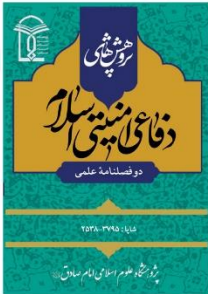
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۹/۳۰ - تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۱۱/۹  
(۲۰۳-۱۸۲)

### چکیده

تکوین نظام هستی بر پایه حکمت خداوند کاملاً هدفمند مبتنی بر قوانین مسیر خود را طی می‌کند؛ از این قوانین به سنت تعبیر می‌شود. سنت‌های الهی در شکل‌های گوناگونی همچون سنت هدایت و گمراهی، سنت آزمایش و ابتلاء، سنت ترف و مترفین خودنمایی می‌کنند؛ یکی از سنت‌های مطرح در قرآن کریم سنت امداد است. عام‌ترین معنای این سنت «کاربرد توانایی‌های انسانی برای نیل به یک هدف» است که با «امداد الهی برای تحقق آن» رابطه‌ای مستقیم دارد. در این مرحله متعلق امداد، انسان - بدون قید کفر و ایمان - است؛ البته امداد الهی در همین سطح نمانده و شکل‌های ویژه‌تری که دربرگیرنده مجاهدان شود هم به خود می‌گیرد. پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که چگونه می‌توان به خوانشی درست از سنت امداد در جهاد از منظر قرآن دست یافت؟ پاسخ به این پرسش با روش کتابخانه‌ای و بهره‌مندی از دو عنصر توصیف و تحلیل به بازکاوی این سنت در قرآن پرداخته شده است. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد سنت امداد در جهاد، افزون بر پیروی از علل معنوی، از پاره‌ای علل طبیعی نیز تبعیت می‌کند؛ البته این سنت، تاریخ‌مند نبوده بنابراین با بسترسازی و فراهم کردن موقعیت مشابه می‌توان از آن بهره جست.

واژگان کلیدی: سنت، امداد، جهاد، قرآن

\* دانش آموخته سطح چهار حوزه علمیه قم، قم،  
ایران، M.sisara@yahoo.com



## مقدمه

برابر آموزه‌های دینی، انسان، موجودی دو بُعدی است؛ سرشت او از یک سو آمیزه‌ای از صفات ارزشمند (مؤمنون: ۱۴؛ حجر: ۲۹) و از دیگر سو آمیخته با گونه‌هایی از کاستی‌هاست (حج: ۷۳؛ نساء: ۲۸؛ فاطر: ۱۵)؛ چنین موجود نیازمندی در ساحت‌های گوناگون زندگی، به یاریگری خداوند وابسته است؛ قرآن کریم با بازشماری ناتوانی‌های انسان، همواره گوشزد می‌کند که خداوند آماده حمایت همه جانبه از اوست؛ البته این حمایت‌ها دست‌کم دو ویژگی اساسی دارند: نخست، هدفمند هستند؛ یعنی در راستای سیر تعالی انسان به سوی هدف آفرینش — قرب الهی — تعریف می‌شوند؛ این معنا البته در نوع مثبت امداد، یعنی امداد مؤمنان قابل فهم است؛ نه امداد غیر مؤمنان در مسیر گمراهی‌شان؛ دوم، قانونمندند، هستند؛ یعنی این حمایت‌ها بی‌سبب و علت نبوده و بر پایه فرمول‌هایی ویژه انجام می‌گیرند.

به بیان روشن‌تر، سنت الهی، در واقع به‌کارگیری اراده الهی به‌گونه‌ای مناسب و متناسب با اعمال انسان است (ر.ک: خرمشاهی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۱۲۳۱-۱۲۲۱)؛ امدادهای الهی طیفی وسیع را دربر می‌گیرند که رسالت این نوشتار بررسی و تحلیل گونه‌ای از آن، یعنی «امداد در جهاد» است؛ امداد در جهاد بدین معناست که چنانچه مؤمنان مجاهد در پیکار با دشمنان خود و خداوند پایداری کرده و نیز شرایط دیگری را — که در ادامه خواهد آمد — تحقق بخشند، خداوند نیروهای غیبی خود را برای حمایت از آن‌ها به‌کار می‌گیرد.

اهمیت این پژوهش بدان جهت است که ما را به درکی روشن‌تر از امدادهای الهی رسانده و این باور را تقویت می‌کند که اسباب و علل واقعی — مادی و معنوی — گوش به فرمان ذات حق دارند؛ بنابراین در محاسبات خود نقش مهمی برای این عوامل در نظر می‌گیریم.

ضرورت این پژوهش نیز به این خاطر است که ناآشنایی با امدادهای الهی ما را در برابر تصمیمات عقل حسابگر مادی اندیش به تسلیم وا می‌دارد؛ چرا که بر پایه توجیحات این گونه تعقل، نبودن برخی از ابزارهای مادی به مثابه شکست حتمی است؛ حال آنکه به استناد قرآن و شواهد تاریخی، امدادهای الهی در صدر اسلام، مجاهدان را با وجود امکانات حداقلی به پیروزی رسانده است.

## روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق در این مقاله به گونه‌ی کیفی است؛ بدین بیان که در آغاز تلاش خواهیم نمود با کاربرد روش کتابخانه‌ای، داده‌های لازم برای فهم دقیق این سنت در قرآن را از منابع اصلی استخراج و تدوین کنیم؛ در مرحله بعد نیز به تبیین و تحلیل داده‌های به دست آمده پرداخته و برابند این بازکاوی را ارائه خواهیم نمود. لازم به یادسپاری است که روش تحلیل داده‌ها با بهره‌گیری از روش عقلی و نقلی صورت خواهد گرفت.

## مفهوم شناسی

### الف) سنت

سنت در لغت به معنای سیره و روش (ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۳۱: ۲۲۶)، قانون، طریقه، راه و روش، آیین، رسم، عادت (دهخدا، ۹، ۱۳۷۷: ۱۳۷۷۵؛ معین، ۱۳۷۱، ج ۲: ۱۹۲۶)، فرض، واجب و ناموس طبیعت (آنتوان الیاس، ۱۳۵۸: ۳۲۰) آمده است؛ اما این واژه در اصطلاح دارای معنای گوناگونی است که همه آن‌ها به گونه‌ای با معانی لغوی ارتباط دارند؛ عمده‌ترین معنای اصطلاحی سنت در قرآن عبارت‌اند از:

نخست: سنت به معنای قوانین کلی و تغییرناپذیر؛ یکی از مصداق‌های این معنا، سنت امداد است که خداوند آن را بر پایه چگونگی رفتار انسان‌ها به کار گیرد؛ چه آنان که در پی کمالات معنوی هستند و چه آنان که در مسیر باطل گام برمی‌دارند (اسراء: ۲۰).

دوم: سنت به معنای آداب و رسوم گذشتگان؛ سنت به این معنا — که امروزه بیشتر در مقابل مدرنیته به کار می‌رود — مجموعه آداب و هنجارهایی است که پیشینیان به آن عمل کرده‌اند، ولی با گذشت سال‌ها و قرن‌ها گرد کهنگی به خود گرفته است؛ این سنت به سنت حسنه یا مقبول و سنت سیئه یا مردود تقسیم می‌شود؛ در قرآن کریم پیروی بدون چون و چرا از سنت‌های پیشینیان — سنت سیئه گذشتگان — نهی شده است (زخرف: ۲۲).

سوم: سنت به معنای اصولی و حقوقی؛ سنت در این معنا، شامل سخنان، شیوه زندگی و سلوک فردی و اجتماعی، و سکوت معصومان علیهم‌السلام است که با بررسی و تحلیل آن‌ها، احکام دین کشف می‌شود (ر.ک: غفاری، ۱۳۸۳: ۱۶-۲۱).

سنت در قرآن کریم که غالباً با ترکیب «سنت الهی» (احزاب: ۳۸؛ فاطر: ۴۳؛ غافر: ۸۵؛ فتح: ۲۳) آمده، این‌گونه تعریف شده است: «ضوابطی که در افعال الهی وجود دارد» (قلعجی، ۱۴۰۸: ۲۵۰) یا «روش‌هایی که خدای متعال، امور عالم و آدم را برپایه آن‌ها تدبیر و اداره می‌کند» (مصباح یزدی، ۱۳۶۸: ۴۲۵) و یا «روشی که خداوند متعال از روی حکمت خویش حسب رفتار و سلوکی که مردم با شریعت او دارند، نسبت به آنان اعمال می‌دارد» (خرمشاهی، ۱۳۷۷: ۲، ۱۲۲۱).

به نظر می‌رسد با آنچه که در بالا بدان اشاره شد، سنت را این‌گونه معنا کرد: اعمال اراده الهی به‌گونه‌ای مناسب و متناسب با اعمال انسان؛ این تعریف، همان تعریف برگزیده در این جستار است.

مهم‌ترین دیدگاه‌ها درباره سنت، آن را به دو گونه تقسیم می‌کنند:

۱. تکوینی و تشریحی؛ منظور از سنت تکوینی، قوانین ثابت و کلی است که در دل کائنات و ذرات هستی جریان دارد؛ مانند سنت هدایت موجودات (طه: ۵۰)؛ همچنین منظور از سنت تشریحی، سنتی است که ناظر به زندگی ظاهری، فردی و اجتماعی باشد به گونه‌ای که انتظام امور انسان بدون آن‌ها ممکن نیست؛ قوانین حاکم بر روند اجتماعی - سیاسی اقوام و ملت‌ها از این گونه‌اند؛ مثلاً سنت تشریحی خداوند بر این جاری است که سرنوشت هیچ ملتی تغییر نمی‌کند، جز آنکه خود براساس اراده و اختیار خویش، آن را تغییر دهند (رعد: ۱۱).

۲. اخروی و دنیوی؛ سنت‌های اخروی در پیوند با زندگانی آن جهانی انسان‌ها و پاداش و کیفر اخروی کردارشان است و سنت‌های دنیوی مربوط است به زندگی این جهانی آدمیان که خود به رفتارهای فردی یا اجتماعی و یا به هر دوی آن‌ها اختصاص دارند.

سنت‌های دنیوی قید دیگری نیز دارند و آن مطلق یا مقید بودن آنهاست؛ اگر این سنت‌ها مطلق باشند، بدان معناست که مسبوق به افعال انسان‌ها نیستند؛ مانند سنت هدایت از سوی انبیا و نیز سنت آزمایش؛ اما چنانچه مقید یا مشروط باشند، بدان معناست که تحقق این سنت به کنش‌های مردم وابسته است؛ همچون سنت امداد.

## ب) امداد

امداد در لغت به این معانی آمده است: مددکردن، یاری‌دادن، کمک‌کردن، فریادرسی (معین، ۱۳۷۱، ج ۳: ۳۹۶۴؛ عمید، ۱۳۷۷، ج ۲: ۱۷۸۰) افزونی، زیادت، آنچه که بدان سپاه را قوت دهند (دهخدا، ۱۳، ۱۳۷۷: ۲۰۵۳۶)، هرگونه کمک به گروهی در جنگ یا جز آن (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۸: ۱۶) و تجدید نیرو (آنتوان الیاس، ۱۳۵۸: ۶۴۷).

امدادهای الهی برای تحقق یافتن، به شرایطی خاص نیازمندند؛ مهم‌ترین شرایط برای دریافت امداد الهی از منظر قرآن عبارت‌اند از: ایمان (بقره: ۲۵۷؛ حج: ۳۸؛ یونس: ۱۰۳؛ آل عمران: ۱۳۹)، تقوا، اطاعت و صبر (اعراف: ۹۶؛ فصلت: ۱۸؛ آل عمران: ۱۲۵)، جهاد در راه خداوند (محمد: ۷؛ عنکبوت: ۶۹؛ حج: ۴۰)، توبه و استغفار (زمر: ۵۳؛ نوح: ۱۰-۱۲)، و دعا و درخواست از پروردگار (انفال: ۹؛ بقره: ۲۵۰).

با توجه به گستره و فراگیر بودن امدادهای الهی، می‌توان آن را بدین گونه تقسیم نمود: نخست) امداد و نصرت عام؛ دوم) امداد و نصرت خاص؛ سوم) امداد و نصرت اخص (تقی‌زاده اکبری، ۱۳۸۷، ج ۱: ۱۳۷-۱۳۶)؛ منظور از امداد عام همان رحمت فراگیر پروردگار است که همه موجودات از جمله انسان — چه مؤمن و چه کافر — را دربر می‌گیرد (تقی‌زاده اکبری، ۱۳۸۷، ج ۱: ۱۳۶)؛ خداوند متعال، هستی‌بخش و تداوم‌دهنده هستی همه موجودات بوده و گسستن رحمت و نصرت الهی بدین معنا، برابر است با نابودی آن‌ها؛ مانند مددبخشی به دنیا طلبان و آخرت خواهان (اسراء: ۲۰؛ اعراف: ۱۵۶)؛ منظور از امداد خاص نیز امدادی ویژه مؤمنان است و کافران از آن بی‌بهره‌اند. این امداد به پاس ایمان، تقوا، اخلاص و تلاش مؤمنان به آنان ارزانی می‌شود (روم: ۱۴؛ عنکبوت: ۶۹)؛ همچنین امداد اخص، امدادی ویژه مجاهدان راه حق است؛ چنان‌که آیه ذیل گواه این نکته است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ (محمد: ۷)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر خدا را یاری کنید، خداوند نیز شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌دارد»؛ گرچه این آیه به ظاهر به امداد و نصرت خاص ناظر است، ولی با بهره‌جستن از ساختار آیات پیشین که در باره جهاد و پیکار با کافران است، می‌توان آن را ناظر به امداد و نصرت اخص دانست (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۱۸: ۲۲۹).

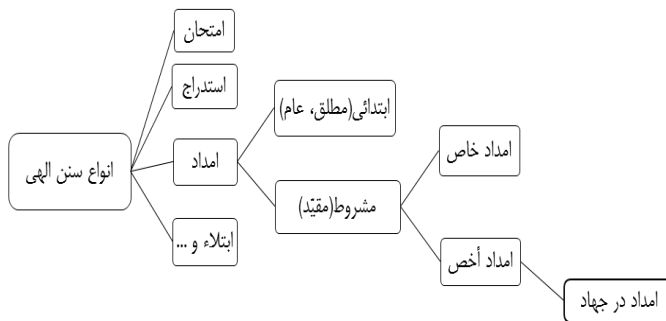
### ج) جهاد

جهاد واژه‌ای عربی از ریشه (ج — ه — د) به معنای زمین محکم (جوهری، ۱۳۷۶، ج ۲: ۴۶۲)، مشقت و تلاش (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۲۸۶) آمده است؛ مهم‌ترین مفهوم اصطلاحی این واژه در متون دینی، گونه‌ای خاص از تلاش است؛ یعنی «مبارزه با کافران و باغیان در راه خدا با جان، مال و دارایی‌های دیگر خود با هدف گسترش و اعتلای اسلام و برپایی شعائر یا دفاع از آن» (ر. ک: نجفی، بی‌تا، ج ۲۱: ۳). جهاد، عنوان یکی از ابواب فقه اسلامی است و فقها در کتاب‌های خود، آن را به دو گونه ابتدایی و دفاعی تقسیم کرده‌اند (ر. ک: شهیدثانی، ۱۴۱۰، ج ۲: ۳۸۱؛ ابن سعید حلّی، ۱۴۰۵: ۲۳۳)؛ البته این تقسیم‌بندی در کتاب‌های فقهی پیشین به صراحت یاد نشده و آنان معمولاً احکام جهاد ابتدایی را به گونه‌ای دامن‌گستر و احکام جهاد تدافعی را به طور ضمنی بیان کرده‌اند (ر. ک: کلینی، ۱۳۸۸، ج ۵: ۲۲۳).

جهاد ابتدایی به معنای جنگ با مشرکان و کفار برای فراخواندن آنان به اسلام و توحید، و برقراری عدالت است؛ در این گونه از جهاد، که مسلمانان آغازگر نبردند، هدف، از بین بردن سیطره کفر و فراهم آوردن امکان گسترش دین الهی است، همچنین جهاد دفاعی عبارت است از پیکار با هدف دفاع از اسلام و سرزمین‌های اسلامی در برابر دشمن مهاجمی که بنیان اسلام را تهدید کرده یا قصد چیره‌شدن بر سرزمین‌های اسلامی، ناموس و اموال مسلمانان و یا کشتن گروهی از مسلمانان را دارد.

در آیات و روایات به گونه‌ای دامن‌گستر درباره فضیلت و ارزش جهاد گفتگو شده است؛ ولی در اینجا برای رعایت اختصار و دورنشدن از موضوع نوشتار از پرداختن بیشتر بدان چشم‌پوشی می‌کنیم.

بنابراین باتوجه به توضیحی که درباره سنت، امداد و جهاد بیان گردید، «سنت امداد در جهاد» عبارت است از: تحقق اراده الهی در وعده یاری و نصرت خود به مجاهدان؛ البته چنانچه پیش‌تر گفته شد، تحقق این وعده مبتنی بر بسترسازی و رفع موانع متعدد است.



نمودار ۱: جایگاه‌شناسی سنت امداد در جهاد

### لایه‌های سنت امداد در قرآن

سنت امداد در قرآن در دو سطح توصیف و تحلیل قابل بررسی است؛ در سطح توصیف به ذکر مصداق‌ها و نمونه‌های این سنت در قرآن اشاره می‌شود و در سطح تحلیل مواردی که در سطح توصیف آمده مورد واکاوی قرار می‌گیرند.

### سطح توصیف

در سطح توصیف، عمده‌ترین موارد سنت امداد در قرآن کریم به صورت زیر قابل ارائه‌اند:

#### نخست: فرو فرستادن فرشتگان

از امدادهای غیبی در جهاد، یاری رزمندگان به وسیله فرشتگان است؛ در اینجا برای نمونه به دو مورد از آن اشاره می‌کنیم:

#### نمونه اول: جنگ بدر

قرآن کریم درباره این امداد الهی می‌فرماید: «إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِئَةِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُرَدِّفِينَ (انفال: ۹)؛ [به خاطر بیاورید] زمانی را که [از شدت ناراحتی در میدان بدر] از پروردگارتان کمک می‌خواستید و او خواسته شما را پذیرفت [و گفت] من شما را با یک هزار فرشته که پشت سر هم فرود می‌آیند یاری می‌کنم».

در این نبرد به رغم سازویرگ نظامی اندک مسلمانان (۳۱۳ پیاده نظام، ۲ اسب، ۷۰ شتر، ۶ زره و ۸ شمشیر) (مجلسی، ۱۴۰۳ق؛ ج ۱۹: ۲۰۶)، در برابر امکانات نظامی چندین

برابری دشمن (۹۵۰ نفر با تجهیزات کامل، ۲۰۰ اسب و ۷۰۰ شتر) (ر.ک: پژوهش‌کننده تحقیقات اسلامی، بی‌تا: ۱۷؛ واقدی، ۱۴۰۵ق، ۲: ۲۹)، نتیجه تأمل برانگیزی به‌دست آمد؛ پایان این رویارویی چیزی جز پیروزی قاطع مسلمانان و کشته شدن و اسارت شمار زیادی از مشرکان نبود؛ نزول فرشتگان الهی و امداد مجاهدان از سوی آن‌ها — حتی به گواهی شاهدان حاضر در جنگ — از علل انکارناپذیر در پیروزی مسلمانان بود؛ ابوسفیان، بزرگ مکه که خود در جنگ حاضر و شاهد ماجرا بوده، جریان را برای مردم شهر خود که منتظر اخبار جنگ با مسلمانان بودند، این‌گونه توضیح داد:

به خدا قسم! جز این نبود که با آنان روبه‌رو شدیم و به حکمشان گردن نهادیم تا هر که را خواستند کشتند و هر که را خواستند اسیر گرفتند؛ به خدا قسم که قریش را ملامت نمی‌کنم، چرا که مردانی سفید بر اسبانی سیاه و سفید و در میان زمین و آسمان دیدم که چیزی را باقی نمی‌گذاشتند و کسی نمی‌توانست در مقابلشان ایستادگی کند (آیتی، ۱۳۶۱: ۲۵۳).

### نمونه دوم: جنگ احزاب

این غزوه با تحریک یهود و هم‌هنگی و ائتلاف قبایل گوناگون مشرک روی داد؛ آنان که با ۱۰ هزار نیروی نظامی به سوی مدینه، مرکز اسلام، هجوم برده بودند چیزی جز شکست عایدشان نشد. درباره علل پیروزی مسلمانان در این نبرد دیدگاه‌های گوناگونی بیان شده که یکی از آن‌ها فرونشادن آتش — که به‌وسیله بادهای سهمگین برافروخته می‌شدند — به‌دست فرشتگان الهی بود (ر.ک: قرطبی، بی‌تا، ج ۱۴: ۹۵؛ شیخ عباس قمی، بی‌تا، ج ۱: ۵۳).

### دوم: نزول آرامش بر مؤمنان

یکی دیگر از امدادهای الهی در جهاد، نزول اطمینان درونی و آرامش باطنی بر قلب مؤمنان مجاهد است، تا بدین وسیله بتوانند در نبرد با کافران استوار و ثابت قدم باشند. قرآن کریم در موارد گوناگون به «نزول آرامش» به مثابه امداد الهی اشاره نموده که از این میان دو مورد آن در پیوند مستقیم با جنگ‌های صدر اسلام است؛ آن دو مورد عبارت‌اند از:

الف) جنگ حنین؛ در این نبرد جمعیت انبوه بیست هزارنفری کفار (واقدی، ۱۴۰۵،

ج ۲: ۸۹۳) در مقابل لشکر دوازده هزار نفری مسلمانان به فرماندهی رسول خدا ﷺ صف آرایی کردند (یعقوبی، بی تا، ج ۲: ۶۲)؛ اما از آنجا که مسلمانان تا آن روز چنین سپاهی را فراهم نکرده بودند تعداد زیادشان آن‌ها را دچار غرور کرده بود شکست اولیه و فرار برخی از مسلمانان را در پی داشت؛ در این هنگام خداوند طمئینه و آرامش را بر پیامبر ﷺ و مؤمنان فرو فرستاده، نیروهای غیبی را به یاری ایشان برانگیخت و بدین وسیله، کافران را با وجود فراوانی شمارشان به شکست کشاند. تصریح قرآن بر این امداد الهی این گونه است:

لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعَجَبْتُمْكُمْ كَثْرَتَكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَصَافَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحَبَتْ ثُمَّ وَلَيْتُمْ مُدِيرِينَ \* ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْزَلَ جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا (توبه: ۲۶ و ۲۵)؛

خداوند شما را در جاهای زیادی یاری کرد [و بر دشمن پیروز شدید] و در روز حنین [نیز یاری نمود] در آن هنگام که فزونی تان شما را مغرور کرد، ولی [این فزونی جمعیت] هیچ کمکی به شما نکرد و زمین با همه وسعتش بر شما تنگ شده، سپس پشت به دشمن کرده، فرار نمودید؛ سپس خداوند آرامش خود را بر پیامبرش و بر مؤمنان فرو فرستاد و لشکرهایی فرستاد که آن‌ها نمی‌دیدید.

ب) بیعت منجر به فتح مکه؛ در صلح حدیبیه، مسلمانان بدون سلاح و تجهیزات به امید زیارت خانه خدا رهسپار مکه شده بودند، که ناگاه خود را در محاصره و مواجهه با کفار قریش یافتند و افزون بر احساس خطر جانی، درباره درستی وعده‌های پیامبر ﷺ نیز در دل‌های برخی از ایشان تردید پدید آمد؛ در این هنگام، پیامبر ﷺ برای ایجاد هم‌گرایی میان مسلمانان و نیز تقویت روحیه آنان دستور داد تا همگی در زیر درختی با ایشان بیعت کنند؛ مؤمنان از این فرمان اطاعت کردند؛ آن‌گاه خداوند، آرامشی را از سوی خویش بر دل ایشان فرستاده و بدین وسیله فتح مکه را به ارمغان آورد؛ گزارش قرآنی این رویداد در آیه هجدهم سوره فتح آمده است.

البته باید توجه داشت که انتساب آرامش و «سکینه» به عنوان یکی از امدادهای الهی به خود خداوند و پیوند دادن آن با مفاهیمی چون «ایمان» و «تقوی» در قرآن، می‌تواند معنایی خاص به آن بدهد؛ علامه طباطبائی رحمته‌الله‌علیه با عنایت به این نکته، سکینه را حالتی الهی

و گونه‌ای ویژه از آرامش می‌داند که تنها بر دل‌های پاک و جان‌های پرهیزگار فرود آمده و همواره تثبیت ایمان و افزایش روح تقوا را در پی داشته است و در نتیجه فقط به افراد ویژه‌ای در مراحل بالای ایمان — که مؤمنان مجاهد از آن جمله‌اند — اختصاص دارد (ر. ک: طباطبائی، ۱۴۱۷: ۲۲۴-۲۲۹).

### سوم: ارباب دشمنان

یکی از مهم‌ترین نمونه‌های سنت امداد در جهاد، القای رُعب در دل دشمن است. واژه «رُعب» پنج بار در قرآن کریم آمده است؛ از این تعداد، یک مورد به داستان «اصحاب کهف» مربوط بوده (کهف: ۱۸) و چهار مورد دیگر درباره مجاهدان صدر اسلام است (انفال: ۱۲؛ آل‌عمران: ۱۵۱؛ حشر: ۲؛ احزاب: ۲۶).

از ارباب به‌عنوان یکی از شیوه‌های امداد غیبی در قرآن یاد شده است؛ این شیوه از امداد الهی در جنگ‌های «بدر» و «احد» و نیز در نبرد با «یهود بنی‌نضیر» و «بنی‌قریظه» به یاری مجاهدان آمده؛ در جنگ بدر که همه امکانات ظاهری به نفع قریش بود، امداد الهی از طریق نزول فرشتگان تحقق یافته و دل‌های کافران را از ترس و وحشت آکنده کرد (انفال: ۱۲)؛ در جنگ بنی‌قریظه نیز به گواهی قرآن، تنها عاملی که باعث شد یهودیان توان رویارویی با مسلمانان را از دست داده و تسلیم شوند، افکندن رُعب در دل‌های آنان بود (احزاب: ۲۶)؛ نقش این امداد الهی در نبردهای صدر اسلام به اندازه‌ای است که پیامبر اکرم ﷺ می‌فرمایند: «نُصِرْتُ بِالرُّعْبِ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹: ۷۶؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۶: ۵۷۳)؛ به وسیله رُعب یاری شدم» چنان‌که در جایی دیگر درباره میزان نفوذ و تأثیرگذاری این عامل می‌فرمایند: «نُصِرْتُ بِالرُّعْبِ مَسِيرَةَ شَهْرٍ (طبرسی، ۲، ۱۴۰۶: ۲۲۸)؛ ابن‌بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱: ۲۰۱)؛ به فاصله یک ماه مسافت به وسیله رُعب یاری شدم»؛ پیامبر اکرم ﷺ همچنین هنگام فرستادن امام علیؑ برای فتح قلعه خیبر، ایشان را از یاری جبرئیل و نیز یاری عنصر رُعب، خبر دادند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۱: ۱۵).

البته ممکن است ادعا شود که بهره‌مندی از «رُعب» — به مثابه یک عامل جنگ روانی — پیشینه تاریخی درازی داشته و دیگران نیز از آن را به‌کار برده‌اند؛ ولی باید توجه داشت که این

گونه از رُعب که در قرآن از آن یاد شده است، نخست، خاستگاه الهی داشته و نه بشری - گرچه فرایند عملیاتی آن از به‌طور طبیعی انجام شده باشد که این خود یکی از سنت‌های الهی است - دوم، هدف ارعاب، کاملاً الهی است، نه تمایلات زیاده‌خواهانه و برتری‌جویانه یک قوم، شخص، کشور و یا هر زورگوی دیگر، سوم، در این گونه ارعاب، شیوه‌های کاملاً انسانی به کار می‌رود؛ برخلاف بسیاری از جنگ‌های تاریخی که در آن از هر ابزاری برای ایجاد رُعب استفاده شده است؛ مانند: مسموم کردن آب‌ها، گروگان گرفتن غیرنظامیان و ... . جالب توجه آنکه، با کاربرد چنین شیوه برگرفته از قرآن است که به‌رغم ۷۲ غزوه و سریه، تنها تلفاتی در حدود ۱۰۰۰ تا ۱۴۰۰ نفر از دو طرف جنگ‌ها بر جا ماند، که نسبت به تمام لشکرکشی‌های تاریخ بی‌سابقه است (ر.ک: رادمنش، ۱۳۶۲: ۳۶).

یادسپاری این نکته باسته است که تحقق رُعب، هم از مجاری غیرطبیعی امکان‌پذیر است (حشر: ۲) و هم از مجاری طبیعی؛ درباره‌ی گونه‌ی اخیر باید گفت که «جریان امور بر محور اسباب و علل مادی» خود از سنن مهم الهی است؛ بنابراین برای تحقق سنت امداد در آن گونه‌ای که مبتنی بر مجاری طبیعی است، برابر آموزه‌های دینی باید نخست مقدمات آن از سوی مردم فراهم شود؛ برای این منظور راهکارهایی نیز پیش بینی شده است؛ عمده‌ترین راهکارها برای تحقق امداد الهی از مجاری طبیعی عبارت‌اند از:

الف) آمادگی کامل رزمی؛ قرآن کریم در این پیوند می‌فرماید:

وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُزْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ (انفال: ۶۰)؛  
و شما [ای مؤمنان!] برای مبارزه با کافران، خود را مهیا کنید و تا اندازه‌ای که می‌توانید از آذوقه و تسلیحات و آلات جنگی و اسبان سواری زین‌کرده برای تهدید و ترساندن دشمنان خدا و دشمنان خودتان فراهم آوردید.

یکی از بارزترین کاربردهای این شیوه در نبرد تبوک بود؛ در این جنگ به دستور پیامبر ﷺ تمامی مسلمانان با همه امکاناتی که در اختیار داشتند برای نبرد با لشکر مجهز روم بسیج شدند؛ هنگامی که خبر حرکت ۳۰ هزار جنگجو به همراه ۱۰ هزار اسب به رومی‌ها رسید، لشکر روم دچار وحشت شده و تصمیم به عقب‌نشینی گرفت (مکارم شیرازی، ۱۳۵۲، ج ۸: ۱۷۵).

ب) غرور مثبت و هروله؛ در جنگ احد، ابودجانة انصاری پس از گرفتن شمشیر، با کبر

و غرور در میان لشکر راه می‌رفت؛ چنان‌که کار او خود به مثابه روحیه بخشی به لشکر و ارباب دشمن بود؛ البته پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این‌گونه راه رفتن جز در میدان جنگ را نفی فرمودند (واقعی، ۱۴۰۵، ج ۱: ۱۸۷). همچنین «هروله» (راه رفتن سریع همراه با جنب و جوش) گونه‌ای دیگر از ابراز قدرت فردی بود که در حالات امیر مؤمنان علیه السلام در صحنه جنگ، کاربرد چنین شیوه‌ای از آن حضرت بازگو شده است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۱: ۲۲).

ج) تعقیب دشمن؛ یکی دیگر از مجاری تحقق سنت امداد، تعقیب دشمن متواری است؛ از جمله نمونه‌های این تعقیب در نبرد «حُنین» روی داد؛ افرادی که خود در آن نبرد و نیز در جبهه مقابل مجاهدان حضور داشتند و سپس مسلمان شدند، در توصیف رُعب و وحشت خود از این تعقیب مسلمانان این‌گونه گزارش داده‌اند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله ما را تعقیب می‌کرد و ما همچنان می‌گریختیم؛ بعضی از افراد ما پس از اینکه وارد حصار طائف هم شده بودند، از شدت ترس، همچنان می‌پنداشتند که پیامبر صلی الله علیه و آله هنوز هم در تعقیب آنهاست (واقعی، ۱۴۰۵، ج ۲: ۶۳۹).

د) جلوه‌گری فزونی افراد و ابزار جنگی؛ فراوانی و تفوق نفرات و تجهیزات یک سپاه، موجب ترس و وحشت دشمن می‌شود؛ یکی از تاکتیک‌های پیامبر صلی الله علیه و آله برای تحقق این هدف، برافروختن آتش‌های متعدد و پراکنده از سوی مسلمانان بود که، شب‌ها در محل استقرار سپاه اسلام بسیار جلوه‌گری کرد. این روش در جنگ‌های «حمرأ الاسد» و «فتح مکه»، موجب وحشت مشرکان گردید (واقعی، ۱۴۰۵، ج ۱: ۲۴۸).

ه) کشتن فرماندهان دشمن؛ هنگامی که ابوجهل — از فرماندهان با نفوذ مشرکان — کشته شد، مشرکان خواه بزرگان مکه و خواه دلاوران‌شان پا به فرار گذاشتند (طلاس، ۱۳۹۷: ۱۷۵)؛ همچنین پیش از جنگ بنی‌نضیر، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمان کشتن فرمانده آن‌ها «کعب بن اشرف» را صادر نمود و پس از کشته شدن او، هیچ یهودی در مدینه نبود، جز آنکه دچار وحشت شده بود (ابن‌هشام، بی‌تا، ج ۳: ۶۰) از دیگر بسترهای تحقق این سنت الهی می‌توان به مواردی چون اصل غافلگیری، مانور نظامی، محاصره، استقرار و تثبیت مناطق فتح شده و تبلیغات (پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ۱۳۸۹: ۱۱۷-۱۱۰) اشاره نمود.

#### چهارم: تصرف در چشم

توجه به این نکته بایسته است که پیش‌تر به عامل «زیاد نشان دادن نفرات و ابزار جنگی» به‌عنوان یکی از مجاری تحقق سنت امداد اشاره شد؛ با این تفاوت که در آنجا نشان دادن «کثرت نفرات و ادوات» از سوی مردم و مقدمه تحقق امداد الهی مورد نظر بوده است؛ اما آنچه در این بخش مدنظر می‌باشد «زیاد نشان دادن شمار لشکریان» مبتنی بر امر غیبی است که از سوی خداوند انجام شده و خود یک امداد الهی به‌شمار می‌رود؛ به‌هرحال یکی دیگر از امدادهای غیبی که ویژه مجاهدان مؤمن است، زیاد نشان دادن مبارزان مسلمان در چشم مشرکان و کم نشان دادن مشرکان در دیدگان مسلمانان است؛ این شیوه — که در واقع گونه‌ای تصرف در دیدگان جنگجویان است — در جنگ بدر به یاری مسلمانان آمد (آل‌عمران: ۱۳).

پدیده تصرف در دیدگان دوبار در ماجرای جنگ بدر رخ داد؛ یک‌بار پیش از وقوع جنگ، که خداوند متعال کافران را در چشم مسلمانان اندک جلوه داد: «وَإِذْ يَرِيكُمُوهُمْ إِذِ التَّقِيْتُمْ فِي أَغْنِيكُمْ قَلِيلًا» (انفال: ۴۴)؛ و نیز مسلمانان را در چشم کافران اندک نشان داد «يَقَلِّلْكُمْ فِي أَغْنِيهِمْ» (انفال: ۴۴) تا کافران برای جنگ با مسلمانان جرئت یابند، و نیز مسلمانان از جنگ با کافران منصرف نشوند؛ بار دوم، هنگام وقوع جنگ و درگیری بود، که در خداوند متعال مسلمانان را در دیدگان کافران، بسیار جلوه داد «يُرَوْنَهُمْ مِثْلَيْهِمْ» (آل‌عمران: ۱۳) تا به این وسیله آنان را شکست دهد (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۹: ۹۴).

نکته جالب اینکه برخی از روایات، گویای تلاش نافرجام شیطان در آغاز جنگ، باهدف کمک به سود کفار است؛ بدین بیان که شیطان می‌خواست مسلمانان را در چشم کافران، اندک نشان داده و بالعکس کفار را در چشم یاران پیامبر ﷺ پرشمار بنمایاند، تا بدین وسیله زمینه شکست آنان را فراهم کند که با دخالت جبرائیل از انجام این کار ناتوان شد (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۲، ۱۶۲).

#### پنجم: رؤیای صادقانه

در این گونه از امداد، شخص پیامبر ﷺ مخاطب بوده و تفاوت آن با گونه پیش‌گفته آن است که در آنجا تصرف در عالم بیداری می‌گرفت و در اینجا سخن از رؤیای صادقانه پیامبر ﷺ

است؛ این امداد الهی در «جنگ بدر» به یاری مجاهدان آمد؛ چنان‌که در گزارش قرآنی از امداد یادشده این‌گونه سخن به میان آمده است:

إِذْ يَرِيكُهُمُ اللَّهُ فِي مَنَايِكَ قَلِيلًا وَ لَوْ أَرَاكُهُمْ كَثِيرًا لَفَشِلْتُمْ وَ لَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَ لَكِنَّ اللَّهَ سَلَّمَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (انفال؛ ۴۳)؛

و [یاد آر ای رسول!] آن‌گاه که خدا دشمنان را در خواب به تو اندک نشان داد [تا قوی دل باشی] و اگر سپاه دشمن را به چشم تو بسیار نشان داده بود [شما مسلمانان] کاملاً هراسان و بددل شده و در کار [رفتن به جنگ] جدل و مخالفت می‌کردید؛ ولی پروردگار [شما را از آسیب دشمن] به سلامت داشت، که او به اندیشه‌های درونی و دل‌های خلق آگاه است.

### ششم: بروز حوادث طبیعی

امدادهای غیبی در برخی موارد به صورت حوادث طبیعی و عمدتاً دور از انتظار جلوه‌گر می‌شوند؛ در آیاتی از قرآن کریم، به این‌گونه از امدادهای غیبی اشاره شده است (انفال، ۱۱)؛ (احزاب، ۹)؛ عمده‌ترین امدادها از این نوع عبارت‌اند از: نخست، باریدن باران در جنگ بدر (انفال: ۱۱)؛ این رویداد موجب شد تا زمین شنزار در زیر پای رزمندگان محکم شده و زمین محل استقرار مشرکان به گل‌ولای تبدیل شود (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۹: ۲۲۱)؛ دوم، وزیدن طوفان شدید در جنگ احزاب؛ این پدیده فرار مشرکان به سوی مکه و رهایی مسلمانان از محاصره انجامید (آیتی، ۱۳۶۱: ۳۷۱)؛ سوم، چیره شدن خواب؛ این رویداد به منظور آرامش بخشی به مؤمنان به وقوع پیوست (انفال: ۱۱)؛ آل‌عمران: ۱۵۴).

نکته درخور توجه آن است که سنت امداد، از سنت‌های حتمی الهی بوده و تنها به تاریخ گذشته اختصاص ندارد، بنابراین این سنت‌ها در موقعیت مشابه نیز تکرارپذیر هستند؛ چنان‌که نمونه‌هایی از آن پیش از دفاع مقدس هشت ساله ایران و در حین آن اتفاق افتاده است و در اینجا به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود؛

### نمونه نخست: تحول روحی و معنوی

نخستین چیزی که در سخنان حضرت امام علیه السلام و مسؤولان جنگ به‌عنوان امداد و نصرت الهی جلب نظر می‌کند، «تحول روحی و معنوی» بخش عظیمی از مردم به طور عام و رزمندگان

اسلام به طور خاص است. این تحول را باید در ادامه تحول روحی و معنوی ملت ایران در انقلاب اسلامی ارزیابی کرد؛ چنان‌که از نگاه امام خمینی علیه السلام این دگرگونی ژرف، مردم و رزمندگان را شیفته دفاع از کیان اسلامی کرده و مهبیای ایثار و فداکاری نمود؛ حضرت امام علیه السلام پس از عملیات بدر در وصف رزمندگان این‌گونه فرمودند:

این چه روحی است که این‌ها [رزمندگان] پیدا کرده‌اند چطور شده است که یک‌دفعه این جهش پیدا شد سال‌ها زحمت می‌خواهد تا به آستانه این امر برسد؛ چه شد که این‌ها این‌طور سریع راه را طی کردند؟ این، جز این [نیست] که انسان بگوید یک عنایت خاصی است از خدای تبارک و تعالی که خدا این عنایت را به این‌ها کرده است؛ آن‌ها فداکاری می‌کنند و او عنایت می‌کند (امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۸، ج ۱۹: ۱۴۴).

#### نمونه دوم: طوفان و تغییر هوا

درباره این امداد یکی از اسرای عراقی در خاطرات خود این‌گونه گزارش می‌دهد:

وقتی که رزمندگان شما به ما حمله می‌کردند، شاهد رخدادهای باور نکردنی و شگفت‌انگیزی بودم که جز از اراده خداوند نمی‌تواند برخاسته باشد. در آغاز یورش رزمندگان شما، هوا و اوضاع جوی، به طور ناگهانی تغییر می‌کرد و از وضعیت عادی خارج می‌شد؛ گاهی به صورت بادهای تند که سمت و وزش معینی نداشت، جلوه می‌کرد و گاهی با بارش شدید باران توأم بود که مانع تحرک و واکنش به موقع و مستولی شدن ترس در دل افراد ما می‌شد ... (سرهنگی، مرتضی، ۱۳۶۳: ۳۷).

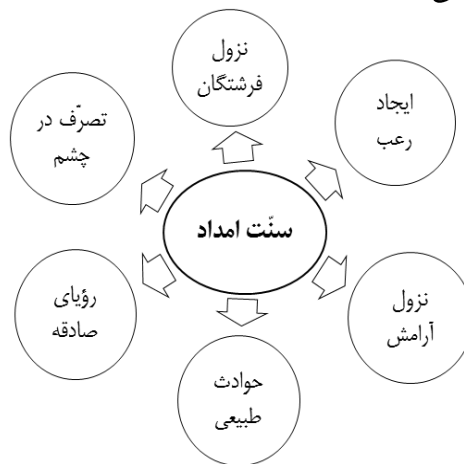
#### نمونه سوم: نزول باران

آمدن باران در چندین عملیات، به پیروزی رزمندگان انجامید؛ از جمله در عملیات طریق القدس؛ در این عملیات، جهاد سازندگی به منظور عبور از تپه‌های رملی با تلاشی فراوان پانزده کیلومتر جاده مخصوص، در شنزارهایی که نیروهای پیاده تا زانو در آن فرو می‌رفتند احداث کرده بود تا رزمندگان با ماشین از آن بگذرند و بقیه راه را پیاده بپیمایند؛ ولی هنگام شب، نزول باران آغاز شد، باران کمک فراوانی به محکم شدن ناحیه رملی و قابل عبور شدن آن کرد (ر.ک: دفتر سیاسی سپاه، بی‌تا: ۱۲۰).

### نمونه چهارم: جوشش چشمه

یکی از شاهدان عینی گزارش می‌کند که در ماجرای محاصره باشگاه افسران به دست نیروهای ضد انقلاب - که یک‌ماه ونیم به‌طول انجامید - جیره غذایی افسران رو به پایان بود...؛ نیروهای دشمن لوله‌های آبِ باشگاه را پیدا کرده و همه آن‌ها را بستند؛ ذخیره آب از یک قمقمه بیشتر نمی‌شد؛ تنها راه چاره، آب خوردن از حوضِ وسط باشگاه افسران بود که بچه‌ها در آن استحمام کرده و لباس‌های خود را می‌شستند...؛ پنج روز پس از قطع شدن آب، ناگهان چشمه‌ای پُر آب و شیرین از دل خاکِ سختِ باشگاه جوشید و بر گونه‌های بینندگان اشک شوق جاری کرد (مرکز تحقیقات اسلامی، ۱۳۷۸: ۱۸۹).

نکته‌ای که یادسپاری آن در پایان این بخش از نوشتار لازم به نظر می‌رسد، این است که؛ سنت امداد همان‌گونه که به لحاظ ایجابی، برای عینیت یافتن، نیازمند تحقق شرایطی است، همچنین به لحاظ سلبی نیز برای به‌وقوع پیوستن و دریافت آن، باید برخی از موانع را کنار زد؛ چرا که اجتناب‌نکردن از این موانع، به مثابه قطع امدادهای الهی است که نتیجه‌ی قطعی آن شکست خواهد بود. عمده‌ترین این موانع به‌صورت زیر قابل برشماری‌اند: سستی و تبلی، بروز اختلاف‌های داخلی، غفلت از یاد و قدرت خدا، اعتماد و اتکای بیش از حد به ابزار و امکانات مادی، بی‌اعتنایی به عبادات، عدم اطاعت از فرماندهان، دنیاطلبی، و غرور و عجب (عبداللهی، مهدی، ۱۳۸۷: ۱۳۴).



نمودار ۲ قالب‌های تحقق سنت امداد در جهاد

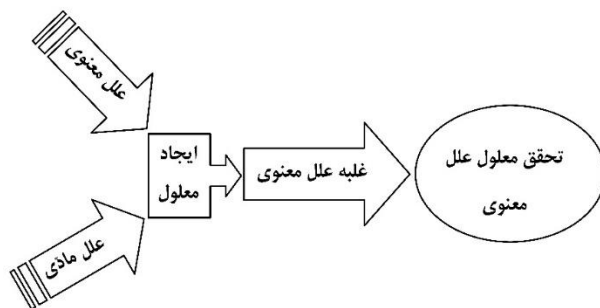
## سطح تحلیل

پس از بررسی سنت امداد در قرآن، اینک به تجزیه و تحلیل مواردی که در سطح توصیف بیان گردید، می‌پردازیم؛ از مجموع داده‌های پیشینی در این موضوع — که در سطح توصیف بیان شد — می‌توان موارد ذیل را در تحلیل این سنت خاطر نشان نمود:

### نخست: جایگاه‌شناسی علل معنوی و بهره‌مندی از ظرفیت آن

با توجه به بررسی نمونه‌های امداد الهی در جنگ، می‌توان به این اصل مهم دست یافت که اسباب و علل، منحصر و محصور در علل مادی نیستند؛ بنابراین نظام هستی بر مجموعه‌ای از اسباب و علل مادی و معنوی مبتنی است؛ افزون بر این، از ویژگی‌های مهم اسباب و علل معنوی سیطره آن‌ها بر اسباب و علل مادی و تحت تأثیر قرار دادن آن‌ها است؛ استاد مطهری علیه السلام در این باره می‌نویسد: «در مواقع خاصی — این علل مادی — تحت تأثیر علل معنوی از کار می‌افتند» (مطهری، ۱۳۶۸، ج ۱: ۴۰۹).

استاد مطهری علیه السلام همچنین با اشاره به آیه چهل و چهارم سوره انفال — اندک جلوه دادن مشرکان در چشم مسلمانان و پُر شمار نشان دادن مسلمانان در چشم مشرکان — می‌نویسد: «این جریان یکی از موارد تقدم پیدا کردن علل معنوی بر علل مادی است. هنگامی که قومی در اثر گام برداشتن در راه خیر و صلاح، شایستگی تأیید و نصرت پیدا کنند و قومی دیگر برعکس، مستحق خذلان و نابودی گردند، نظام متقن و اتم و اکمل جهان، قوم اول را با همه‌ی کمبود وسائل و تجهیزات مادی، تحت حمایت خود قرار می‌دهد و قوم دوم را با همه وسائل و اسباب مادی به زوال محکوم می‌کند» (مطهری، ۱۳۶۸، ج ۱: ۴۱۰).



نمودار ۳: علل معنوی و جلوگیری از تأثیر علل مادی

پس در نظام هستی، نخست: با گروهی از علل معنوی روبه‌روایم؛ دوم: علل و عوامل معنوی می‌توانند به اذن الهی بر علل مادی غلبه کرده و اثربخشی آن‌ها را متوقف یا خنثی سازند؛ اهمیت امدادهای غیبی، به عنوان یکی از عوامل معنوی اند، در همین نکته (چیرگی بر عوامل و اسباب مادی) نهفته است؛ چرا که این عوامل با دخالت بهنگام — آن هم در هنگامی که همه موانع مادی و اسباب ظاهری به تحقق پدیده‌ای دیگر گواهی می‌دهند — سرنوشت یک نبرد یا هر امر دیگری را دگرگون می‌سازند؛ افزون بر این به دلیل معنوی و پنهان بودن این علل، فرصت هرگونه اقدام پیش‌دستانه و یا مقابله با آن برای دشمن ناممکن می‌شود؛ اهمیت این موضوع با توجه به سازو برگ جنگی دشمنان اسلام که در بالاترین وضعیت ممکن قرار دارند و هیچ‌گاه دست از توطئه و فتنه علیه اسلام حقیقی بر نمی‌دارند (بقره: ۱۲۰) بیشتر درک‌پذیر خواهد بود.

#### دوم: تکرارپذیری سنت امداد

گرچه سنت امداد، خود تابعی است از سنت الهی دیگر، یعنی «تغییرناپذیری سرنوشت امت‌ها به وسیله خداوند، جز به خواست و اراده آنها» (رعد: ۱۱) و بر پایه آن برای تحقق امداد الهی نیازمند پیدایش برخی شرایط — مانند ایمان، دعا، تقوی، صبر و غیره — هستیم (حج: ۳۸؛ اعراف: ۹۶؛ فصلت: ۱۸؛ انفال: ۹؛ بقره: ۲۵۰؛ زمر: ۵۳؛ نوح: ۱۰-۱۲) ولی این سنت الهی هیچ‌گاه زمانمند نیست؛ بدین معنا که با تحقق وضعیت مشابه در جبهه مؤمنان، در هرکجای عالم و هر زمان که باشد، فروآمدن چنین امداد الهی قطعی است؛ بر همین اساس موارد گوناگونی از این امداد در زمان جنگ تحمیلی علیه ایران رخ داده است؛ بنابراین آموزه‌ای که از این تحلیل می‌توان فراگرفت آن است که با تربیت منابع انسانی مؤمن و متعهد می‌توان بهره‌مندی از این سنت الهی را در جنگ‌های احتمالی فرارو، انتظار.

#### سوم: جریان امور بر مدار اسباب طبیعی

گرچه در سنت امداد، بحث از عوامل غیرمادی است، ولی تحقق این سنت الهی بی‌برنامه نبوده و نیازمند تحقق شرایط و بسترسازی مناسب است؛ این نکته را با توجه به برخی آیات قرآن کریم به روشنی می‌توان دریافت (ر.ک: محمد: ۷؛ عنکبوت: ۶۹)؛ به عبارت دیگر نباید با دست‌بازداشتن از هر اقدامی، منتظر ماند تا سنت الهی از راه برسد، بلکه باید با تلاش و

جدّیت، مقدمات یاری خداوند را در پرتو سنت امداد فراهم نمود؛ استاد مطهری نیز زمینه‌سازی برای دریافت الطاف الهی را این‌گونه بیان می‌کنند:

چنین نیست که انسان در خانه اش بنشیند، دست روی دست بگذارد و منتظر باشد «دستی از غیب برون آید و کاری بکند»؛ خیر، چنین انتظاراتی بر خلاف ناموس آفرینش است (مطهری، ۱۳۶۸، ج ۳، ص: ۳۴۶).

بسیاری از امدادهای الهی در قالب پدیده‌های طبیعی در این فضا قابل تحلیل اند.

#### چهارم: چگونگی نقش فرشتگان در سنت امداد

در باره کیفیت نقش فرشتگان در برخی از امدادهای غیبی، آراء مفسران به دو گونه بیان شده است؛ به باور برخی، فرشتگان رسماً وارد صحنه نبرد شده، با سلاح‌های مخصوص خود، به لشکر دشمن یورش بردند؛ این گروه از صاحب نظران برای اثبات سخن خویش به پاره‌ای از روایات استناد می‌کنند؛ ولی برخی دیگر معتقدند فرشتگان، تنها برای دلگرمی و تقویت روحیه مؤمنان نازل شدند (مکارم شیرازی، ۱۳۵۲، ج ۷: ۱۳۶)؛ برخی اندیشمندان نیز با ارائه قرینه‌هایی نظر گروه دوم را موجه‌تر دانسته‌اند؛ استدلال ایشان این گونه است:

نخست: اگر بنا شود فرشتگان، شجاعانه سربازان دشمن را به خاک افکنده باشند، چه فضیلتی برای مجاهدان — مثلاً در جنگ بدر — باقی خواهد ماند که آن همه در روایات از فضیلت آن‌ها سخن به میان آمده است؟

دوم: در جنگ بدر — برای نمونه — شمار کشته‌شدگان هفتاد نفر بودند، که بخش مهمی از آن‌ها به دست امام علی علیه السلام کشته شده و گروهی نیز به وسیله دیگر جنگجویان اسلام که نام بیشتر آنان در تاریخ آمده از پادرامدند؛ با این بیان، فرشتگان — بر فرض حضور مستقیم در جنگ — چه کسی را کشته‌اند؟ (مکارم شیرازی، ج ۷: ۱۳۶).

به نظر می‌رسد که امکان جمع هر دو دیدگاه نیز وجود دارد؛ بدین صورت که در پاره‌ای از نبردها فرشتگان، به طور مستقیم وارد نبرد شد و در برخی دیگر، تنها به تقویت روحیه مؤمنان و دلگرمی آن‌ها بسنده کرده باشند.

### پنجم: رابطه عمل خالص و سنت امداد

همان‌گونه که گفته شد، امدادهای الهی به انواع گوناگونی تقسیم می‌شوند که شایع‌ترین تقسیم‌بندی، تقسیم سه‌گانه سنت امداد، به امداد عام، امداد خاص و امداد اخص است؛ نکته‌ای که در این میان قابل توجه است اینکه امداد اخص که بالاترین گونه امداد غیبی است، افرادی را دربرمی‌گیرد که از دو ویژگی مهم برخوردارند؛ نخست، تلاش و پشتکار؛ چرا که جهاد در راه خدا برپایه آموزه‌های دینی یکی از سخت‌ترین کارها به‌شمار می‌آید و حضور در عرصه‌های پیکار، سختی‌های خاص خود را دارد؛ دوم، اخلاص؛ از آنجا که حضور در جهاد دارای پیامدهای جانی برای افراد است، غالباً به نوعی روحیه معنوی بالا و اخلاص مجاهدان نیاز دارد (ر.ک: محمد: ۷؛ روم: ۱۴؛ عنکبوت: ۶۹).

### نتیجه‌گیری

به‌کارگیری توانمندی‌های خدادادی انسان رابطه مستقیم — دست‌کم در برخی از گونه‌های امداد — با دریافت امداد الهی دارد؛ چرا که سنت‌های الهی به مثابه مجاری قانونمند تحقق اراده الهی در جهان‌اند و عینیت یافتن آن‌ها به تحقق شرایط و رفع موانعی خاص بستگی دارد؛ همچنین انتظار بهره‌مندی از این سنت‌ها — که سنت امداد نیز یکی از آنهاست — بدون فراهم کردن مقدمات آن، انتظاری نادرست و ناسازگار با ناموس آفرینش خواهد بود. اصل تغییرناپذیری سنت‌های الهی و نیز اصل مقیدنبودن آن به زمان و مکان، گویای آن است که بررسی دقیق این قوانین الهی با نگاهی تاریخی و تجزیه و تحلیل آنها، این امکان را فراهم می‌کند که با تحلیل درست از اوضاع کنونی و فراهم‌سازی بسترهای لازم سرنوشت آینده خود را رقم بزنیم.

## منابع

قرآن کریم.

ابن بابویه، محمدبن علی (۱۳۶۲)، الخصال، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ج ۱.

ابن سعید حلّی، یحیی ابن احمد (۱۴۰۵ق)، الجامع للشرائع، قم، مؤسسه سیدالشهداء.

ابن منظور، جمال الدین (۱۴۰۵ق)، لسان العرب، قم، نشر ادب، ج ۳۱.

ابن هشام (بی تا)، السیره النبویه، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

امام خمینی علیه السلام سید روح الله (۱۳۷۸)، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.

آنتوان الیاس، الیاس (۱۳۵۸)، فرهنگ نوین، تصحیح مصطفی طباطبائی، تهران، اسلامیه.

آیتی، محمدابراهیم (۱۳۶۱)، تاریخ پیامبر اسلام، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

پژوهشکده تحقیقات اسلامی (۱۳۸۹)، اصول جنگ، نگاهی به جنگ‌های صدر اسلام، قم، زمزم هدایت.

پژوهشکده تحقیقات اسلامی (بی تا)، مجموعه آثار (جهاد و دفاع)، بی جا، نرم افزار زمزم ۲.

تقی زاده اکبری، علی و دیگران (۱۳۸۷)، عومل معنوی و فرهنگی دفاع مقدس، قم، زمزم هدایت، ج ۱.

جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶ق)، الصحاح، تصحیح احمد عبدالغفور عطار، بیروت، ج ۲.

خرمشاهی، بهاء الدین (۱۳۷۷)، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، تهران، ناهید، ۲.

دفتر سیاسی سپاه (بی تا)، گذری بر دو سال جنگ، بی جا.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، تهران، مؤسسه لغت نامه دهخدا، ج ۹ و ۱۳.

رادمنش، عزت الله (۱۳۶۲)، تاکتیک‌های جنگی پیامبر، تهران، نشر قائم.

سرهنگی، مرتضی (۱۳۶۳)، اسرار جنگ تحمیلی به روایت اسرای عراقی، تهران، سروش.

شهید ثانی، محمدبن مکی (۱۴۱۰ق)، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، قم، داوری، ج ۲.

شیخ عباس قمی، (بی تا)، منتهی الامال، تهران، کتابفروشی اسلامیه، ج ۱.

طباطبائی، محمدحسین (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ج ۹.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۶)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفه، ج ۲.

طلاس، مصطفی (۱۳۹۷ق)، الرسول العربی و فن الحرب، بیروت، دارالفکر.

عبداللهی، مهدی (۱۳۸۷)، جهاد و دفاع در اسلام، قم، پژوهشکده تحقیقات اسلامی.

عروسی حویزی، عبدالعلی بن جمعه (۱۴۱۵)، تفسیر نور الثقلین، قم، اسماعیلیان، ج ۲.  
 عمید، حسن (۱۳۷۷)، فرهنگ عمید، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ج ۲.  
 غفاری، ابوالحسن (۱۳۸۳)، سنت امتحان در زندگی انسان، قم، مرکز پژوهش‌های صدا و سیما.  
 فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، کتاب العین، تحقیق مخزومی و سامرائی، قم، دارالهجره، ج ۲ و ۸.

فیض کاشانی، ملا محسن (۱۴۰۶ق)، الوافی، اصفهان، کتابخانه امیرالمؤمنین علی علیه السلام، ج ۶.  
 قرطبی، محمد بن احمد (بی‌تا)، الجامع لاحکام القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۱۴.  
 قلجی، محمد (۱۴۰۸)، معجم لغة الفقهاء، بیروت، دارالنفائس.  
 کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸ق)، الاصول من الکافی، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ج ۵.  
 مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء.  
 مرکز تحقیقات اسلامی (۱۳۷۸)، عوامل پیروزی و شکست، بی‌جا، مرکز تحقیقات اسلامی.  
 مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۶۸). جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.

مطهری، مرتضی (۱۳۶۸)، مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا، ج ۱ و ۳.  
 معین، محمد (۱۳۷۱)، فرهنگ معین، تهران، چاپخانه سپهر، ج ۳ و ۲.  
 مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (سال ۱۳۵۲). تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ج ۷ و ۸.  
 نجفی، محمدحسن بن باقر (بی‌تا)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، تصحیح عباس قوچانی، تهران: دارالکتب الإسلامیه.  
 واقدی، محمد بن عمر (۱۴۰۵ق)، المغازی، بیروت، مؤسسه علمی، ج ۱ و ۲.